

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی

محمد حسن رستمی^۱

زینت السادات آقایی^۲

چکیده

این مقاله تلاشی است در مورد نقش تربیتی حضرت زینب (س) از منظر خانوادگی و اجتماعی، در بخش نخست که به نقش تربیتی حضرت زینب (س) اختصاص داده شده است به بررسی مواجهه زینب کبری (س) با برادران و فرزندان خویش که تحت تاثیر مکتب پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ص) و فاطمه زهرا (س) بوده است می پردازیم. آری او بزرگ شده این مکتب است که از کودکی در مقابله با آماج بلاها و غمها مانند کوهی ایستاده و درس آزادگی را به همگان می آموزد. اوست که بر طبق وصیت مادر، وظیفه همراهی با برادر خویش را به خوبی انجام می دهد. او حتی در شرایط ضمن عقد ازدواج با عبدالله بن جعفر شرط سفر و همراهی با برادر را می گذارد تا همیشه با برادرش حسین باشد.

محبت او به خانواده از برجسته ترین نکات نقش تربیتی حضرت زینب کبری (س) است. در سخت ترین شرایط از برادر، برادرزاده و یاران امام حسین (ع) که در پی پاسداری از دین و امر به معروف قدم برداشته بودند، دفاع می کند. در بخشی که به نقش تربیتی حضرت زینب (س) در جامعه اختصاص داده شده است ابتدا به بررسی زمینه های ایجاد این نقش از جمله علم، تشکیل جلسات

۱- استادیار دانشگاه فردوسی مشهد.

rostami@um.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد.

Zeinab.Aghaee@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۸/۱۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۱۰/۱۵

تفسیری، مرجعیت علمی و فکری و حدیثی حضرت زینب (س) در قبال جامعه و ایمان و تقوا و انس با قرآن حضرت، که سرچشمه تمامی شکوه و منزلت اوست و باعث آفرینش خطابه‌های آتشین او می‌شود پرداخته، و سپس نقش تربیتی حضرت در جامعه به عنوان یک الگوی معنوی، مورد بررسی قرار گرفته است. امید که این تلاش کوچک مورد عنایت عقیده بنی هاشم، بزرگ بانوی اسلام و یاور حسین (ع) واقع شود.

کلید واژه‌ها: الگو، نقش تربیتی، زینب، اجتماع، خانواده.

نقش تربیتی حضرت زینب (س) در خانواده

۱- زینب (س) و پدر

زینب (س) همراه پدر در مصیبت از دست دادن فاطمه (س) است. زینب (س) هر روز با برادران و خواهر و پدرش بر سر خاک می‌رفتند، علی (ع) بر خاک می‌افتاد و با او نجوا می‌نمود و یاد حبیب می‌کرد. (مهاجرانی، ۳۵ به نقل از تاریخ المدینه المنوره، ۱۰۷/۱)

زینب (س) در طول ۵ سال حکومت علی (ع) و سپس تا زمان صلح امام حسن (ع) در کوفه و دارالخلافه می‌زیست و در متن جریان‌های سیاسی و اجتماعی جامعه قرار داشت. (شبییری، ۳۹) در هنگام شهادت پدر، آن هنگام که قامت به خون نشسته علی (ع) را راهی منزل می‌کردند، در فاصله اندکی که به خانه مانده بود، حضرت علی (ع) فرمودند: فرزندانم مرا بگذارید تا با پای خود وارد منزل شوم، نمی‌خواهم دخترم زینب متوجه این وضع گردد. در این وقت زینب (س) تمام نیروی خود را که به نابود شدن نزدیک بود جمع کرد و بر پایداری و استقامت خویش افزود. به استقبال پدر محبوب خویش شتافت و بدید که پدر را بر دوش می‌آورند. زینب (س) خود را بر روی پدر انداخت تا او را ببوسد و با اشک دیده زخم پدر را بشوید. (همانجا، ۴۶)

۲- زینب (س) و مادر

زینب (س) شاهد غم و اندوه مادر نیز بود. فاطمه (س) روزگار بعد از وفات پیغمبر (ص) را با قلبی گرفته و گرانبار از اندوه به سر آورد. در حالی که زینب (س) با دلسوزی و مهربانی در کنار مادر بیمارش نشسته و هم آغوش ترس و اندوه بود. فاطمه زهرا (س) در آستانه شهادت، هنگامی که زینب (س) در کنار بالین او به همراه اسماء بنت عمیس زانوی غم بغل گرفته بود و خیره خیره به چهره تکیده مادر نگاه می کرد، از او خواست که نزدیک بستر مادر آید. مادر به او دو امانت گرانبها سپرد. فرمود: دخترم زینب (س) دو بچه ای که به تو می سپارم یکی از آنها متعلق به دختر ابوذر غفاری و دیگری متعلق به خود توست که در آن پیراهن برادرت حسین (ع) می باشد. اما بدان هرگاه که حسین (ع) این پیراهن را از تو طلب کند، وقت وصل و همراهی شما به سر آمده و حسین (ع) برای شهادت مهیا می گردد. (همانجا، ۵۰ و ۵۱)

حضرت زهرا (س) وصیتی دیگر نیز فرمود: دخترم زینب هرگز از دو برادرت جدا مشو. پیوسته با آنان باش و از آنان نگهداری کن و برای آنها به جای من مادر باش. (همانجا، ۵۱ و بنت الشاطی، ۵۸ و بابازاده، ۴۵) آری زینب (س) آن قدر فهیمه و عقیده است که مادر دو امانت به او می سپارد، فرزندان حسن و حسین و از او می خواهد تا نقش مادری مهربان و دلسوز را برای آنان ایفا کند.

۳- زینب (س) و برادران

زینب (س) در خانه پدر موقعیتی را که بزرگتر از سن اوست دارا بود. حوادث ناگوار، او را پخته کرد و آماده اش نمود که جای مادر سفر کرده اش را بگیرد و برای حسن و حسین و ام کلثوم مادر باشد، و مهر مادری را که به وسیله مدارای با کودک و از خود گذشتگی در برابر تمایلات او آشکار می کرد، دارا باشد، هر چند در تجربه و زیرکی به مادر نرسیده باشد. (بنت الشاطی، ۶۱)

بعد از پدر و مادر، این زینب (س) بود که برادران را همراهی می نمود. آری، زینب (س) شاهد خیانت معاویه به امام حسن (ع) بود و این مسأله او را سخت در اندیشه فرو برد. زینب (س) شاهد بود که چگونه فرصت طلبان و دنیا پرستان، رفتاری ناشایست با برادر بزرگ او امام حسن (ع) داشته و چگونه در جنگ به وی خیانت کردند.

زینب (س) برادر مجروح را پرستاری کرد، تا اینکه زخم‌ها التیام یافت. بعد از اینکه امام حسن (ع) مجبور به صلح با معاویه شدند، به اتفاق اهل بیت کوفه را به سوی مدینه ترک نمودند. حضرت زینب (س) نیز با برادرش امام حسن (ع) رهسپار مدینه شد. آن حضرت با برادرش امام حسن (ع) زندگانی کرد تا این که به وداع برادر مبتلا گردید. نیمه شبی دید که برادر، زینب (س) را صدا می زند و چون بر سر برادر رسید دید که امام مانند مار گزیده بر خود می پیچد. امام فرمود: «زینب برو و برادرم حسین را زود خبر کن». زینب پریشان با چشم گریان به بالین برادرش حضرت امام حسین (ع) آمد و واقعه را به ایشان خبر داد، و همراه امام حسین (ع) به سوی خانه امام مجتبی (ع) آمدند و دیدند حضرت از اثر زهر سر میان تشت گرفته و قطعات جگر مسمومش را به تشت می ریزد. زینب (س) جنازه برادر را تشییع کرد و به غمکده خویش بازگشت. (شیری، ۴۸ و ۴۹) پس از شهادت امام حسن (ع) چشمان بنی هاشم از جمله زینب (س) به امام حسین (ع) دوخته شد. بعد از مرگ معاویه، یزید از فرماندار مدینه خواست که از امام حسین (ع) برای او بیعت بگیرد، که در نتیجه آن حضرت با برادران و خواهران و سایر بنی هاشم در ۲۸ رجب مدینه را به قصد مکه ترک گفت و سوم شعبان همان سال پس از شش روز که در راه بود در کنار بیت خدا قرار گرفت و به مدت چهار ماه و پنج روز از این تاریخ گذشت و سفر پردرد و رنج زینب (س) به سوی کربلا آغاز گشت.

براساس تاریخ، زینب (س) همراه برادرش ۸ ذی الحجه سال شصت هجری از مکه حرکت کرد و پس از بیست و چهار روز سفر که هر روزش مصائب و وقایع زیادی به همراه داشت و خواهر را شدیداً محزون می ساخت، سرانجام روز پنج شنبه، دوم ماه محرم سال شصت و یک هجری به قربانگاه عشق در کربلا رسیدند. در همان روز

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۳۷

نخست که از سخنان برادر دریافت ایام شهادت نزدیک است، آن چنان غمگین و محزون گشت که گفت: «وای کاش به دنیا نیامده بودم و چنین روزهایی چون فراق و شهادت امام حسین (ع) را نمی دیدم». (بابازاده، ۴۸)

آری، این زینب است که پرچم قرآن را برافراشته و چراغ خاطره پیامبر (ص) و علی (ع) را روشن نگه داشته است و به وصیت مادر، همراه با برادرانش می باشد و در برابر مصائب و مظلومیت آنان شکیبایی می ورزد.

۴- زینب (س) و همسر

حضرت زینب (س) به دلیل کمالات و فضائلی که داشت، خواستگاران زیادی از جوانان قریش و بنی هاشم به سراغ او می آمدند، ولی امیرالمومنین (ع) با موافقت دخترش زینب (س) کسی را برگزید که شایسته تر از همه بود و شرافت و اصالت خانوادگی داشت.

او عبدالله جعفر، پسر عموی زینب (س) بود که پدرش جعفر طیار و مادرش اسماء بنت عمیس، هر دو از چهره های سرشناس مذهبی و تربیت شده مکتب رسالت و ولایت بودند. صدیق حضرت زینب (س) را مانند صدیق حضرت فاطمه (س) ۴۸۰ درهم معین کردند و امیرالمومنین (ع) دخترشان را به عبدالله تزویج فرمودند. (شبییری، ۳۰ و نقدی، ۱۰۶)

در شرایط ضمن عقد، حضرت زینب (س) شرط گذاشته بود که چون به حسین خیلی علاقه دارم، باید هر روز به من اجازه بدهی تا برادرم را زیارت کنم و همچنین اگر حسین به مسافرتی برود، من همراه برادرم بروم و عبدالله مانع نشود. (بابازاده، ۵۳ و شبییری، ۳۲ و نقدی، ۹۵)

سیره نویسان درباره زندگی حضرت کبری (س) در خانه شوهر عالی قدرش عبدالله نوشته اند که کانون زندگی آنان لبریز از صفا و صمیمیت و معنویت و فضایل بود. (شبییری، ۳۲) ثمره ازدواج زینب (س) و عبدالله سه پسر به نام های علی، محمد، عون اکبر و یک دختر به نام ام کلثوم بود.

۵- زینب (س) و فرزندان

به روایت ابن سعد در طبقات، فرزندان آن حضرت، علی، عون اکبر، عباس، محمد و ام‌کلثوم نام داشتند، و طبرسی در اعلام الوری فرزندان آنها را علی، جعفر، عون اکبر و ام‌کلثوم نام برده است. (شیری، ۳۲ و مهاجرانی، ۴۱ به نقل از اعلام الوری، ۲۰۴ و طبقات ابن سعد، ۶/۴۶۵)

روز عاشورا زینب (س) لباسی از نور بر تن عون و محمد کرد، آنها را از گرد و غبار پاک و تمیز نمود، شمشیر به دستشان داد و آنها را آماده شهادت کرد. سپس آن دو را به حضور برادرش حسین (ع) آورد و اجازه خواست که آنها به میدان بروند. امام نخست اجازه نمی‌داد. حضرت زینب (س) برادرش امام حسین (ع) را به حق مادرشان فاطمه (س) قسم داد. محمد و عون نیز گفتند: «یا خال بحق امک فاطمه الزهرا اذنت لنا» در هنگام شهادت، امام حسین (ع) به بالین آنها شتافت، پیکر پاک آن دو نوجوان را بغل گرفت و درحالی که پاهایشان به زمین کشیده می‌شد، آنها را به سوی خیمه آورد. تمامی اهل حرم بر جنازه آنها حاضر شدند. حضرت زینب (س) همیشه پیشاپیش بانوان بود، ولی این بار زینب (س) دیده نمی‌شد. او از خیمه بیرون نیامده بود تا مبادا چشمش به پیکرهای به خون تپیده پسرانش بیفتد و بیتابی کند و از پاداشش کم شود. (شیری، ۳۴) این همان مکتب تربیتی زینب (س) است که الگوی مادران ما قرار گرفت و با آموزه‌های تربیتی زینب (س) فرزندان خود را در راه پاسداری از دین فدا کردند.

زمینه‌های نقش تربیتی حضرت زینب (س) در مسائل اجتماعی

۱- علم

الف - جلسات تفسیر: زینب (س) مجلس تعلیم و تدریس داشته و در مدت اقامت پدرش در کوفه برای زنان مجلس تفسیر و احکام اسلام برگزار می‌کرد. یک روز در حالی که پیرامون کلمه (کهیصص) صحبت می‌نمود، پدرش وارد شد و فرمود: «می‌شنوم تفسیر (کهیصص) را برای زنان می‌گویی؟» زینب (س) عرض کرد: «بلی پدر». سپس

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۳۹

حضرت علی (ع) فرمود: «نور دیده من، در این کلمه رمزی است که از مصیبت‌هایی که بر شما وارد می‌شود حکایت می‌کند». عرض کرد: «چگونه است آن مصیبت؟» حضرت علی (ع) ماجرای مصیبت او را تعریف کرد و سپس زینب (س) سخت گریست.

شاهد دیگر، بیان حضرت زین العابدین (ع) در کوفه است که بعد از بیان خطبه آتشین و کوبنده زینب (س) فرمود: «یا عمه اسکتی انت بحمد الله عالمه غیر معلمه و فهمه غیر مفهمه». (جزایری، ۳۷ و شبیری، ۶۱ و بابازاده، ۶۹ و بنت الشاطی، ۷۹ و محلاتی، ۵۷/۳)

ب - مرجع علمی و فکری: مقام علمی زینب (س) به آنجا رسید که امام حسین (ع) نیابت امامت را در کربلا به دلیل بیماری امام زین العابدین (ع) به او سپرد. شیخ صدوق در این زمینه می‌فرماید: حضرت زینب (س) نیابت خاص از طرف امام حسین (ع) به عهده داشت، و مردم در مسائل حرام و حلال به او رجوع می‌کردند، تا زمانی که امام زین العابدین (ع) از بیماری خلاص نیافت. (شبیری، ۵۶ و زینب کبری فریادی بر اعصار، ۲۶ و ۳۰)

دکتر بنت الشاطی در بانوی کربلا می‌نویسد: «زینب بدین لغت (بانوی خردمند) به طوری معروف شده بود که وقتی بانوی خردمند می‌گفتند، زینب فهمیده می‌شد. فرزندان او به چنین لقبی افتخار می‌کردند و به زادگان بانوی خردمند شناخته شده بودند». (بنت الشاطی، ۶۷)

ج - زینب (س) و مرجعیت حدیثی: حضرت زینب (س) از سال ۶ تا ۶۱ هجری از نور اهل بیت استفاده نمود و زندگی‌اش فقط یک سال و نیم بعد از شهادت امام حسین (ع) دوام یافت. زینب (س) محرم راز مادر بود و بیشترین احادیث فاطمه زهرا (س) از طریق ایشان روایت گردیده است.

مرحوم طبرسی در کتاب اعلام الوری و البیان به این حقیقت اشاره می‌کند. فاضل دربندی می‌نویسد: «زینب (س) آن چنان شایسته بود که می‌توانست علوم «بلایا و منایا» را از پدرش امیرالمومنین (ع) بدست آورد و همچون سلمان، میثم و رشید هجری و... از گذشته و آینده جهان و سرنوشت افراد خبر دهد که مهم‌ترین این اخبار،

۴۰----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
حدیث شریف ام ایمن است که اوضاع کربلا، احوال شهدا و اسرای اهل بیت را از پدرش نقل نمود». (بابازاده، ۶۷ و ۶۸)

۲- ایمان

زینب (س) خطبہ آتشین خود را در مجلس یزید، ابتدا با حمد و ستایش آغاز می‌کند. آری در شرایط سختی که برادر و عزیزان خود را از دست داده، باز هم از شدت ایمان او کاسته نمی‌شود.

شدت استقامت زینب (س) و ایمان، او را به راهی که انتخاب کرده است، می‌رساند و شناخت عمیق و دانش او را به اسلام راستین که توحید زیربنای آن، و حمد و سپاس خدای، تجلی ایمان مومنان به الله است، جلوه‌گر می‌سازد. و نشان می‌دهد که هیچ تزلزل و فتوری نه تنها در عزم و اراده این زن آهنین جهان اسلام تا اینجا پیدا نشده است، بلکه حکایت از آن دارد که تا پایان راه نیز لحظه‌ای از مکتب و هدف خود که با آگاهی انتخاب نموده و در راه حفظ و بسط و گسترش آن این همه بلایا و مصائب را متحمل شده است، غافل نخواهد ماند.

حمد خدا از دلی راضی به قضای او در هنگام بلایا سرچشمه می‌گیرد، ولی مطمئن و آرام و امیدوار به عنایات الهی است. (و قلیل من عبادی الشکور)
این کلام علی (ع) است، توحید آن است که خدا را به وهم و گمان خود تصور می‌آوری و عدل آن است که او را در کارهای خود متهم نسازی. تجلی کامل ایمان، آن بزرگ بانوی اسلام است که معتقد به عدل خداست، و گرنه بنی امیه را عقیده به عدل نبود و آن را مطابق سیاست روز بر محور سلطنت و خودکامگی خود تعبیر می‌کردند.
زینب (س) است که در هنگام دیدن جسد مطهر برادرش، آن را زیر دست می‌گیرد و می‌گوید: «اللهم تقبل منا هذا القربان».

هموست که در پاسخی دندان شکن و شکورانه و با افتخار، هنگامی که عیدالله به او گفت: دیدی خداوند با شما چه کرد؟ فرمود: «ما رایت الا جمیلا»

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۴۱

و اوست که در خطابه‌های کوبنده‌اش، به پایداری از دین، افشا کردن چهره معاویه، تذکر هدف پیامبر اکرم (ص) و مسئولیت در برابر اعمال می‌پردازد و در پایان نیز خطابه را با حمد و ستایش خداوند به پایان می‌رساند و مرجع شکایت و تکیه گاه خویش را پروردگار معرفی می‌کند و درس یگانه پرستی و توحید می‌دهد. (همانجا، ۱۷۰)

«سپاس خدای را که اول ما را به سعادت و آمرزش، و آخر ما را به شهادت و رحمت رقم زده و از خدا می‌خواهم که آنان را اجر جزیل عنایت کند و بر پاداش آنان بیفزاید. خود او بر ما نیکو خلیفه‌ای است و او مهربان‌ترین مهربانان است و فقط بر او توکل می‌کنیم.» (نظری منفرد، ۵۰۴)

۳- انس با قرآن

همنشینی و انس با قرآن حضرت زینب (س) از میان کلمات و عبارات آتشین او موج می‌زند. زینب (س) در خطبه‌ای که در شهر کوفه ایراد می‌کند، از آیات ذیل بهره می‌برد و با این آیات چهره بنی امیه را افشا ساخته و آینده آنها را پیش بینی می‌کند و مردم کوفه را به خاطر کارهای زشت و ناپسندی که انجام داده‌اند، مورد مذمت و سرزنش قرار می‌دهد، آری مذهب تربیتی زینب (س) همنشینی و انس با قرآن است که در تمامی لحظات و عبادات او نمود پیدا کرد.

الف - آیات موجود در خطبه حضرت زینب (س) در میان مردم کوفه

خطبه: الا بئس ما قدمت لکم انفسکم ان سخط الله علیکم و فی العذاب انتم خالدون^۱. قسمتی از سوره مبارکه مائده و اشاره به کسانی است که طرح دوستی با کافران می‌ریزند. و می‌گوید چه بد اعمالی است از پیش برای معاد خود فرستادند. حضرت زینب (س) نیز اشاره به طرح دوستی که آمیخته با گناه و تشویق آنان به اعمال و افکار غلط و مبارزه با

۱- «تری کثیرا منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله علیهم و فی العذاب هم خالدون». (مائده، ۸۰)

۴۲----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
حق بود نموده و می‌گوید که نتیجه این اعمال، خشم و غضب الهی است و در عذاب
او جاودانه خواهند ماند. (همانجا، ۴۲۷)

خطبه: وَبَوَّيْتُ لَكُمْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ^۱. این آیه اشاره دارد به چگونگی
ناسپاسی بنی اسرائیل در برابر نعمتهای بزرگی که خداوند به آنها روا داشته است و
نشان می‌دهد که چگونه مردمی لجوج بودند. (بابایی، ۸۲/۱) و حضرت زینب (س) نیز
این آیه را در برابر مردمی که نعمت خداوند (اهل بیت و نعمت رسالت) را لغزان و
ناسپاسی کردند، به کار برد تا کفر و لجاجت آنها در برابر حق را بازگو کند.
خطبه: لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً اِذَا تَكَادَ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْاَرْضُ وَ تَخِرُ الْجِبَالُ هَدًا^۲. حضرت
زینب (س) با بیان این آیه می‌گوید که نزدیک است به‌خاطر این رفتار ناشایست و زشت
در برابر امام حسین (ع) و اهل بیت، کفر و ناسپاسی آنها و جنگیدن با حق، آسمان‌ها
متلاشی گردند و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزند. (بابایی، ۱۰۶/۳)
خطبه: کَلَّا اِنْ رَيْكَ لَنَا وَ لِهَمٍّ لِّبَالْمُرْصَادِ^۳. این آیه هشدار به همه کسانی است که در مسیر
اقوام طغیانگر گام بر می‌دارند. و اشاره به این که گمان نکنید کسی می‌تواند از چنگال
عذاب الهی بگریزد، بلکه همه در قبضه قدرت او هستند و هر وقت اراده کند آنها را
مجازات می‌نماید.

ب - آیات موجود در خطبه حضرت زینب (س) در مقابل یزد

خطبه: ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاؤُالسَّوَى اَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ^۴. در این سوره
که در مکه نازل شده است، خداوند از درون پوشیدگی و گنبدگی دو ابر قدرت عصر

۱- «وَ اِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلٰی طَعَامٍ وَاحِدٍ... وَ ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةَ وَ الْمَسْكَنَةَ وَ بَاوَا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ». (بقره، ۶۱)

۲- «نزدیک است به خاطر این سخن آسمان‌ها از هم متلاشی گردند و زمین شکافته شود و کوهها به شدت
فرو ریزند». (مریم، ۸۹ و ۹۰)

۳- «وَ اِنْ رَيْكَ لِّبَالْمُرْصَادِ». (فجر، ۴)

۴- «سپس سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن
را به سخره گرفتند». (روم، ۱۰)

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۴۳

پیامبر (ص) را خبر می دهد. زینب (س) با بیان این آیه، هم از سرنوشت حکومت یزید و یزیدیان و هم از درون پوسیدگی و فساد آنان را برای حاضران و همه نسل های آینده روشن می سازد، و هم با قرائت این آیه، حکم تکفیر یزید را صادر می کند و چون جدش ابراهیم و پدرش علی (ع)، این بت ساخته دست امویان را خرد می کند و درهم می شکند و از اسلام بیرون می ریزد، اضمحلال حکومتش را اعلام می دارد و کفر و بی ایمانی او را آشکارا افشا می کند. (حاج سید جوادی، ۱۶۰)

خطبه: و لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیراً لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین^۱. زینب (س) با بیان این آیه، کفر یزید را در حضور همه بزرگان عصر و سفرای کشورهای خارجی و سرداران و صاحب منصبان و سایر اشراف شام حاضر در مجلس اثبات می کند و در بقیه سخنان خود نیز به دنبال اثبات صحت نظریه خویش است. (همانجا، ۶۰)

خطبه: و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون^۲. زینب (س) با بیان این آیه به اثبات حقیقت راه کشته شدگان می پردازد و آنها را شهید راه حق معرفی می کند.

خطبه: بئس للظالمین بدلاً^۳. در انتخاب قسمتی از آیه ۵۰ سوره کهف که با بئس شروع می شود، کارنامه اعمال یزید را به سیاهی می زند و فتوا به کفر و ارتداد او را صادر

۱- «آنها که کافر شدند (و راه طغیان در پیش گرفتند) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می دهیم به سودشان است، به آنان مهلت می دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوار کننده ای آماده شده است». (آل عمران، ۱۷۸)

۲- «هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند! آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند». (آل عمران، ۱۶۹)

۳- «و اذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم فسجدوا... و هم لکم عدو بئس لظالمین بدلاً» یعنی: به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم (برای آدم سجده کنید) آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود و از فرمان پروردگارش بیرون شد. (آیا با این حال او و فرزندان او به جای من اولیای خود انتخاب می کنید در حالی که آنها دشمن شما هستند؟ چه جایگاه بدی است برای ستمکاران؟! (کهف، ۵۰)

۴۴----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸

می‌کند، او را در روز حساب در محضر خدای قهار محکوم می‌شمارد، جایگاهش را جهنم و نیرو و قدرت ظاهری او را تباه شده معرفی می‌کند و دلیل آن را نیز دستهای به خون آلوده آنها و دهانهای کثیف و خون آشامشان بیان می‌نماید. (همانجا، ۱۷۰)

در این آیه زینب کبری (س) به عدم اطاعت از اولیاء خدا اشاره کرده و یزید و یزیدیان را پیرو شیطان می‌داند که از امر پروردگار سرپیچی کردند که همانا در قرآن آمده است: «و اطیعو الله و اطیعو الرسول و اولی الامر منکم». (نساء، ۵۹)

در تفسیر نمونه نیز مراد از ولایت در آیه را ولایت اطاعت گرفته است. چون کفار شیطان‌ها را در آنچه که به سویش دعوت می‌کنند اطاعت می‌کنند و خدا را در آنچه به سویش می‌خواند اطاعت نمی‌کنند. (بابایی، ۴۱۳/۱)

خطبه: **الا لعنه الله علی الظالمین**^۱. قسمتی از سوره مبارکه هود و اعراف.

افترا از روشن‌ترین مصادیق ظلم و گناه می‌باشد و معلوم است که ظلم نسبت به هر کسی یک حکم ندارد، هر قدر آن طرف که مورد ظلم واقع شده باشد بزرگتر باشد، ظلم ما نیز به همان نسبت بزرگتر خواهد بود، تا آنجا که به بزرگترین مقام یعنی ساحت عظمت و کبریائی پروردگار منتهی می‌شود که افترا و ظلم به او عظیم‌ترین ظلم خواهد بود. (طباطبایی، ۲۷۹/۱۰)

خطبه: **حسبنا الله و نعم الوکیل**^۲. قسمتی از آیه سوره مبارکه آل عمران است که حضرت زینب (س) با بیان این آیه، عدم ترس از لشکر دشمن و پایداری و استقامت اهل بیت

۱- «و من اظلم ممن افتری علی الله کذباً اولئک یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد هولاء الذین کذبوا علی ربهم ألا لعنت الله علی الظالمین». (هود، ۱۸) «و نادى اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقاً فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنه الله علی الظالمین». (اعراف، ۴۴)

۲- «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل» یعنی: این‌ها کسانی بودند که بعضی از مردم به آنان گفتند: «مردم (لشکر دشمن) برای (حمله به) شما اجتماع کردند. از آنها بترسید» اما این سخن برایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است او بهترین حامی ماست. (آل عمران، ۱۷۳)

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۴۵
را مطرح کرده و با بیان آیه می گوید که ما هرگز از هدف خود سست نشده ایم، بلکه با تمامی ظلم‌هایی که به ما شده است بر ایمانمان افزوده شده و خداوند بهترین یاور و حامی ماست. (بابایی، ۳۵۰/۱)

نقش تربیتی حضرت زینب (س) در جامعه

۱- مبلغ و پیام رسان

اکنون زینب (س) مانده است، کاروان اسیران در پی اش و صف‌های دشمن تا افق در پیش راهش و رسالت رساندن پیام برادر بر دوشش. وارد شهر جنایت می‌شود و از صحنه بر می‌گردد، در حالی که آن باغ‌های سرخ شهادت را پشت سر گذاشته و از پیراهنش بوی گل‌های سرخ به مشام می‌رسد. در پایتخت قدرت و ستم وارد شده است. آرام، پیروز و سراپا افتخار. (جواهری، تداوم انقلاب عاشورا با رهبری زینب کبری، ۱۳)

هر انقلابی دو چهره دارد: خون و پیام، هرکسی اگر مسئولیت پذیرفتن حق را انتخاب کرده است و می‌داند که مسئولیت شیعه بودن یعنی چه و مسئولیت انسان آزاده بودن یعنی چه، باید بداند که در نبرد همیشه تاریخ، همیشه زمان و همه جای زمین که همه صحنه‌ها کربلاست و همه ماه‌ها محرم و همه روزها عاشورا باید انتخاب کرد: خون یا پیام را، با حسین بودن و با زینب بودن را و یا آنچنان یا این چنین ماندن را. (همانجا، ۱۴)

ایفای نقش توسط حضرت زینب کبری (س) در انقلاب عاشورا با تدبیر امام حسین (ع) صورت گرفت. به همراه آوردن اهل بیت (ع) مهمترین اقدام امام حسین (ع) به منظور رساندن پیام و معرفی فلسفه قیام و سیمای اهل بیت و خنثی نمودن تبلیغات ناجوانمردانه بنی امیه و افشای ماهیت یزیدیان بود. (همانجا، ۱۶)

آری زینب (س) نماینده تقابل دو چهره جبر و اختیار است. امویان به منظور تثبیت پایه‌های حکومت خود و جلوگیری از قیام مردم مسلمان، فرقه جبریه را ترویج و

۴۶----- منهای - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸

حمایت می‌کردند. اما زینب (س) نماینده مذهب اختیار است. او معتقد به حریت اراده و آزادی انسان در مقام عمل است. (پیشوایی، ۱۹۲) به گفته شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی مقام شامخ زینب (س) در تبلیغ او بروز کرد. کار اباعبدالله (ع) حساب شده بود، یعنی این سفر را به دست دشمن درست کرد. دشمن این سفر را به وجود آورد و به خیال خودش اسیر حمل می‌کرد اما در حقیقت داشت مبلغ می‌فرستاد. (همانجا، ۳۵۹/۱)

۲- زینب و الگو سازی

یکی از راه‌های تربیت انسانها، الگو سازی و مدل سازی و نشان دادن اسوه به افراد است و از آنجا که هدف تربیت انسان‌هاست، الگوهای را از جنس بشر عرضه می‌کند تا انسان‌های دیگر آن را سرمشق خود قرار دهند. (رضایی اصفهانی، ۶۷) اینک به برجسته ترین ابعاد الگوسازی شخصیت زینب کبری (س) می‌پردازیم:

الف - الگوی عرفان و معرفت: زینب کبری (س) راه معرفت می‌پیمود. او انسانی فوق العاده و دارای عقل و درایت بود تا جایی که با معرفت و شناختش از خدا، امیرالمومنین (ع) پدر عرفان را به تعجب واداشت. آن جا که فرمود: با زبانی که واحد گفت اثنین نمی‌گویم و در جایی دیگر آمده است که امیرالمومنین (ع) زینب را در آغوش گرفته بود و او را نوازش می‌کرد، در این حال زینب (س) از او پرسید: پدر جان تو ما را دوست داری؟ جواب داد: چگونه دوست ندارم که شما میوه دل من هستید. زینب (س) گفت: این دوستی و حب خداوند است و مخصوص اوست و شفقت و مهربانی برای ماست. زینب (س) به این درجه از معرفت می‌رسد که امام سجاد (ع) در برابر او خضوع می‌کند و می‌گوید: «و سپاس خداوند را که تو بدون معلم، دانا و بدون استاد فهمی». و نیز امام حسین (ع) در وداع آخر خطاب به خواهر عارفش می‌گوید: «خواهرم زینب، مرا در نمازهای شب فراموش نکن». (شیری، ۸۳ و بابازاده، ۹۲ و مهاجرانی، ۳۶ و نقدی، ۳۵ و محلاتی، ۶۲/۳)

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۴۷

هنگامی که ابا عبدالله (ع) در میدان عشق شهید شد، زینب (س) از خیمه خارج گشت و در میدان قتلگاه آمد و سپس در کنار بدن پاره پاره برادر قرار گرفت و در حالی که هزاران دشمن بی رحم او را احاطه کرده بودند، با خون گلی برادر پیشانی خویش را رنگین کرد و سپس دستهای مبارکش را زیر جسد آن حضرت برد و او را بلند کرد و گفت: اللهم تقبل منا هذا القربان. (بابازاده، ۹۳ و مهاجرانی، ۲۸۷ و مجلسی، ۵۴/۴۵ و ابن طاووس، ۳۰۷)

ب - الگوی زهد و بی‌آلایشی: خداوند زهد را در دو کلمه بیان فرمود: و آن اینکه بر امور گذشته متأثر نشوید و بر آینده خوشحال نگردید. پس کسی که بر گذشته اش متأثر نگردد و اسیر هوای آینده دنیا نشود زاهد است، هر چند انسانی متمکن، ثروتمند و مرفه باشد. (شبیری، ۹۰)

آری کسی که اقتداء به معصومین کرد و حقیقت زهد را تحصیل نمود، حضرت زینب (س) بود. او بود که ترک جمیع زینت‌ها و اموال دنیا کرد. (جزایری، ۱۹۶) دو پسرش در راه خدا قربانی شدند. اگر چه در خانه عبدالله زندگی می‌کرد، ولی به آن خانه تعلق نداشت. او هر چند رفاه زندگی و ثروتی کلان در اختیار داشت و شوهرش عبدالله بن جعفر از ثروتمندان کم نظیر عرب بود که در یک قلم می‌توانست هزاران دینار و درهم، هزاران گاو و گوسفند به فقرا و نیازمندان ببخشد، ولی از همه زیبایی‌های دنیا چشم پوشید و برای رضای الهی و یاری نهضت مقدس ابا عبدالله الحسین (ع) راه کربلا در پیش گرفت و در این راه همچون کوهی استوار پابرجا بود. (شبیری، ۷۱)

ج - الگوی حجاب و عفت: زینب (س) از کودکی حجاب و عفت را از زهرا (س) آموخته بود.

یحیی مازنی می‌گوید: «من مدت زیادی در همسایگی امیرالمومنین (ع) سکونت داشتم. در طول این مدت نه قامت زینب را دیدم و نه صدای او را شنیدم».

و اما در عاشورا این پیام رسان، وظیفه رسالت را به دوش می‌کشد و باید چهره ظالم را افشا کند. پس باید در جمع نمایان شود و افشاگری نماید. او در مجلس یزید حاضر

۴۸----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بہار و تابستان ۱۳۸۸

می‌شود، آن گاہ لب بہ سخن می‌گشاید و می‌فرماید: ای یزید! ای کسی کہ جدمان اسیرش کردہ سپس آزاد، آیا از عدالت است کہ زنان و کنیزان خود را پشت پردہ بنشانی و دختران رسول خدا (ص) را بہ صورت اسیر بہ این سو و آن سو بکشانی؟ حجاب آنان را بدری و روی آنان را بگشایی؟ تو خود را خلیفہ ما می‌دانی و با نوادگان او این گونه رفتار می‌کنی؟ (همانجا، ۷۸)

د - الگوی ایثار و بخشش: زینب (س) الگوی ایثار و بخشش است. او پس از عاشورا سرپرستی اسیران را بہ عہدہ گرفت و خود گرسنہ می‌خواہید و سہم غذایش را بہ کودکان گرسنہ می‌داد. (همانجا، ۶۲ و بابازادہ، ۸۰)

ه - الگوی آزادگی و استقامت در برابر ظالم: شاہد این مدعا خطابہ‌های زینب کبری (س) است، هنگامی کہ اسرا وارد شام و کاخ یزید می‌شوند، حضرت با خطابہ‌های کوبندہ خود، قدرت پوشالین یزید را درہم می‌شکند. از ظلم و ستمی کہ بر خاندان اہل بیت رفتہ است و از دروغ‌هایی کہ یزید بہ مردم گفتہ است سخن می‌گوید و در مقابل یزیدی کہ مردم با ترس بسیار بہ او امیرالمومنین می‌گفتند، می‌ایستد و می‌فرماید: «اظننت یا یزید حیث اخذت علینا اقطار الارض و آفاق السماء فاصبحنا نساق کما ساق الاساری ان بنا علی اللہ ہوانا و بک علیہ کرانا»، یعنی: تو خیال می‌کنی اینکہ امروز ما را اسیر کردہ‌ای و تمام اقطار زمین را بر ما گرفتہ‌ای و ما در مشّت نوکرهای تو ہستیم، یک نعمت و مہبتی از طرف خداوند بر توست؟ بہ خدا قسم تو الآن در نظر من بسیار کوچک و حقیر و بسیار پست هستی، و من برای تو یک ذرہ شخصیت قائل نیستم.

و در آخر جملہ‌هایش این طور می‌فرماید: «یا یزید کدکیدک و اسع سعیک ناصب جہدک فواللہ لا تمحوا ذکرنا و لا تمیت و حینا»، یعنی: ای یزید! بہ تو می‌گویم ہر حقہ‌ای کہ می‌خواہی بزن و ہر کاری کہ می‌توانی انجام بدہ، اما یقین داشتہ باش کہ اگر می‌خواہی نام ما را در دنیا محو کنی، نام ما محو شدنی نیست. آنکہ محو می‌شود تو هستی. (مجلسی، ۱۳۲/۴۵ و ابن طاووس، ۷۷ و مطہری، حماسہ حسینی، ۱/۱۲۵)

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۴۹

در این قسمت، کلام زینب کبری (س) جهت هر چه بیشتر کوبیدن یزید اوج می گیرد و با مقام قدرت در انتخاب کلمات و سخنوری با شکوهی الهی فریاد می زند: «اینکه روزگار مرا با خاندانی در اوج شرف و کمال مجبور به مخاطبه و سخن با چون توئی پست و رذل از دامان مادری آنچنان و دودمانی ذلیل و غیر مرد، و قاتل پاکان و از بین برنده نیکی و نیکان مجبور ساخته است، برای من بزرگترین مصیبت و رنج است».

(حاج سیدجوادی، ۱۶۸)

و - هوشمندی حضرت زینب (س) در آگاهی از اوضاع جامعه: معمولاً هر وقت حکومت های جبار می خواهند خود را توجیه کنند جبر گرا می شوند؛ یعنی همه چیز را به خدا مستند می کنند و در برابر هر کاری تلقین می کنند که کار خدا بوده است و اگر مصلحت خدایی نبود، نمی شد و خدا خودش نمی گذاشت که این طور بشود. دقیقاً یکی از پشتوانه های فکری و عقیدتی حکومت بنی امیه منطق جبرگرایی بود. آنان با ترویج جبرگرایی کوشش داشتند هرگونه اعتراض احتمالی مردم را در نطفه خفه کنند.

(پیشوایی، ۱۹۲)

در مقابل سخنرانی عبیدالله بن زیاد که پس از شهادت امام حسین (ع) مردم را در مسجد بزرگ کوفه جمع کرد تا قضیه را به اطلاع آنها برساند و قیافه ای مذهبی به خود گرفت و گفت: «الحمد لله الذی اظهر الحق و نصر امیرالمومنین و اشیاعه و قتل الکذاب من الکذاب» (ابن طاووس، ۶۹)

متقابلاً حضرت زینب (س) که از شگرد دشمن آگاه بودند، این پایگاه فکری بنی امیه را هدف قرار داده با سخنان متین و مستدل خود به شدت آن را کوبیدند و یزید و یزیدیان را مسئول اعمال و جنایتشان معرفی کردند.

یکی از جلوه های برخورد زینب (س) با یزید (نماینده دو تفکر قدریه و جبریه) در هنگام ورود به کاخ یزید است. آن هنگام که عبیدالله روبه حضرت کرد و گفت: «ستایش خدای را که شما خانواده را رسوا ساخت و کشت و نشان داد که آنچه می گفتید دروغی بیش نیست».

۵۰-----منهاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸

زینب (س) پاسخ داد: ستایش خدا را که ما را به واسطه پیامبر خود گرامی داشت و از پلیدی پاک گردانید. جز فاسق رسوا نمی‌شود و جز بدکار دروغ نمی‌گوید و بدکار ما نیستیم، دیگرانند. یعنی تو و دار و دسته ات هستی و ستایش مخصوص خداوند است.

عبیدالله گفت: دیدی خدا با خاندانت چه کرد؟

زینب (س) گفت: جز زیبایی ندیدم! آنان کسانی بودند که خدا مقدر ساخته بود کشته شوند و آنها نیز اطاعت کردند و به سوی آرامگاه خود شتافتند. و به زودی خداوند تو و آنان را با هم روبرو می‌کند و آنان از تو به درگاه خدا شکایت و دادخواهی خواهند کرد. اینک بنگر که آن روز چه کسی پیروز خواهد شد. مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه. (پیشوایی، ۱۹۵)

ابن‌زیاد می‌خواست و انمود کند هرکس به حسب ظاهر در جبهه نظامی شکست بخورد، رسوا شده است. اما زینب کبری (س) که به خوبی می‌دانست پسر زیاد از چه دیدگاهی سخن می‌گوید، پایگاه فکری او را درهم کوبید و با این سخنانش اعلام کرد معیار شرف و فضیلت به حقیقت جویی و حقیقت طلبی است، نه قدرت ظاهری.

زینب (س) اعلام کرد کسی که در راه خدا شهید شد رسوا نمی‌شود. رسوا کسی است که ظلم و ستم کند و از حق منحرف شود. (همانجا، ۱۹۷)

آری ذهن انسان‌ها در طول قرون و اعصار به الگویی چون حضرت زینب کبری (س) توجه‌نموده و از صفات و اعمال او مثل صبر، آزادگی، حجاب، هوشمندی در برابر مسائل جامعه، پاسداری از دین و محبت خانواده سرمشق گرفته است. (رضایی اصفهانی، ۷۱)

ز - امر به معروف: فلسفه انقلاب امام حسین (ع) امر به معروف و نهی از منکر است. حتی اگر از امام دعوتی نمی‌شد حسین بن علی (ع) به موجب قانون امر به معروف و نهی از منکر نهضت می‌کرد. (جواهری، فلسفه انقلاب عاشورا، ۵۵)

زینب (س) با ایراد خطابه‌ها در شام و کوفه، به تمامی مردان و زنان آموخت که با ظلم و جور مبارزه کنند. حضرت در هنگام رویارویی با مردم کوفه آن خطبه کوبنده را ایراد کرد که مردم کوفه در اثر این امر به معروف زینب (س) از خواب غفلت بیدار شدند. و آن هنگام بود که کوفیان متوجه شدند امام حسین (ع) شهید شده است. مردم در آن روز

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۵۱

حیران بودند، گریه می کردند و دست هایشان را در دهان می گذاردند. این مطالب نشان می دهد که تبلیغات اهل بیت خصوصاً حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در مردم کوفه کاملاً مؤثر افتاد و سپس همین تبلیغات در شام تکرار شد و مردم آنجا را تا حدودی متحول ساخت و همین تحولات روحی بود که بعداً قیام مختار و توأیین را شکل داد.

خطابه زینب (س) در مقابل یزید و کلماتی که در آن به کار برد، نشانه امر به معروف و نهی از منکر بود.

حضرت به او می گوید: «و قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوههن و تحدو بهن الاعداء من بلد الا بلد...»، یعنی: در حالی که حریم حرمت آنان (اهل بیت) را نادیده انگاشتی و احترام محبوب آنان نداشتی، دشمنان آنان را به سرعت از شهری به شهری راندند و بادیه نشینان و کوه نشینان برای دیدن منظره اسارت آنان گردن برکشیدند و دور و نزدیک و پست و شریف به تماشای آنان برخاستند.

همه قصد زینب (س) از این سخنان، افشا کردن و رسوا ساختن یزید و نشان دادن اعمال ضد اسلامی او و رفتار زشت و دشمنانه او و تابعانش علیه اسرای کربلا به آن مردمی بود که در محضر یزید گردآمده بودند.

و در جایی دیگر با بیان (لیس لهن من رجالهن) یزید را در هتک حرمت نبوت محکوم کرد. (حاج سید جوادی، ۱۶۲)

۳- مذمت ویژگی های اخلاقی ناپسند

زینب (س) در خطابه های کوبنده خود ویژگی های اخلاقی ناپسند مردم و دستگاه را مورد مذمت قرار داد.

الف - نفاق: حضرت زینب (س) خطاب به مردم کوفه می فرماید: «یا اهل الختل و الغدر و الخزل»، یعنی: ای جماعت نیرنگ و افسون و بی بهرگان از غیرت و حمیت.

و در ادامه می گوید: شما چه دارید جز لاف و دشمنی و دروغ؟ و بسان کنیزان خدمتکار، چاپلوسی و سخن چینی کردن. (نظری منفرد، ۴۲۸)

۵۲----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸

برخی از اهل کوفه نامه‌های دروغ به امام حسین (ع) نوشتند و حیلہ کردند. آنان می‌خواستند بدین وسیله امام را به دام یزید بکشند تا از او بیعت بگیرند یا او را شهید کنند و بدین وسیله خود را در نزد یزید خوب جلوه دهند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۲)

ب - مذمت پیمان شکنی: «تبکون اخی؟ اجل والله فانکم احریاء بالبکاء فبکوا کثیرا و اضحکوا قليلا فقد بلیتم بعارها و منیتم بشنارها و لن ترحضوها ابدا»، یعنی: آیا شما می‌کنید؟ سوگندهایتان را نادیده گرفتید و پیمان‌هایتان را شکستید. برای برادرم گریه می‌کنید؟ بگریید که شایسته گریستید و اندک بخندید که ننگ گریان گیر شماست.

«اتدرون ویلکم ای کبد لمحمد (ص) فرثتم؟ و ای احد نکثتم و ای کریمه له ابرضتم؟»، یعنی: آیا شما می‌دانید که چه جگری از رسول خدا (ص) شکافتید و چه پیمانی گسستید و چه سان پرده گیانی از حرم او را از پرده بیرون کشیدید. (نظری منفرد، ۴۲۸)

ج - غفلت یا اغفال: عدم اطلاع از اوضاع سیاسی و نظامی زمان، عامل غفلت و فریب خوردن مردم می‌شود. گاهی تبلیغات دشمن تا آن اندازه قوی است که بعضی از افراد را به کلی غافل می‌کند و فریب می‌دهد. به طوری که حقایق را وارونه می‌بینند تا آنجا که با قصد قربت و نزدیکی به خدا به جنگ اولیاء الهی و امامان معصوم می‌روند.

این حادثه تلخ یک درس اجتماعی برای ما است که مواظب تبلیغات سوء دشمن باشیم و از امامت و ولایت جدا نشویم. چرا که جدایی از ولایت، انسان را به دام تبلیغات دشمن می‌اندازد و او را مسموم می‌کند به طوری که حقایق را وارونه می‌بیند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۵)

زینب (س) به ما می‌آموزد که همراه با ولایت باشیم و آگاهانه زندگی کنیم.

نتایج مقاله

زینب (س) نمونه بارز یک الگوی نمونه است. نمونه بانوی فرهیخته، دانشمند، شجاع و با ایمانی است که در طول دوران زندگی اش با ظلم و ستم در راه هدف مقدس خویش پیکار می‌کند. زینب (س) بیدادگری است که مردم غافل را نهیب می‌زند. اوست

نقش حضرت زینب (سلام الله علیها) از منظر خانوادگی و اجتماعی----- ۵۳
که جان و مال و فرزندان خویش را در راه پاسداری از دین و امام و مولای خویش
فدا می‌کند.

تجلی زینب (س) از این حماسه است. قدرت ایمان و تقوای او از میان مصائب و
بلایا نمایان است. خطابه‌های کوبنده و فریادهای بت شکنانه اش گوش بشریت را کر
کرده است.

فریاد (ما رایت الا جمیلاً) اوج توحید و سپاسگزاری زینب (س) است. او پیام
آور کربلاست. رسالت رساندن پیام شهیدان را بر دوش می‌کشد. زینب (س) الگوی بی
بدیل است برای آن‌هایی که به دنبال الگو می‌گردند. زینب (س) الگویی است برای
زنان و مردان تاریخ، برای مادران و همسران و جوانان. مذهب تربیتی زینب (س) این
است که ای آدمیان! ای جوانان! بیاموزید که به هم عشق بورزید. بیاموزید که زیر بار
ظلم نروید و با جان و مال و فرزندان خود از حق پیروی کنید، بیدار باشید و آگاه، و
حتی در شرایط سخت، ذلت را نپذیرید. آزاده باشید و آزاد منشانه زندگی کنید و از
امامت و ولایت پیروی کنید. این مکتب تربیتی زینب (س) است که هزاران انسان را
تحت تأثیر قرار داده و الگویی نمونه برای بشریت عرضه کرده است. زینب (س) حقیقتی
است که پایان نمی‌یابد و نوری است که خاموش نمی‌شود.

کتابشناسی

- ۱- ابن طاووس، علی ابن موسی ابن محمد ابن طاووس، اللهوف (مقتل الحسین (ع))، قم، داوری، بی‌تا.
- ۲- بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، دارالکتاب الاسلامیه، تهران، سال ۸۲ هـ.ش.
- ۳- بابازاده، علی اکبر، سیمای زینب کبری (س)، انتشارات دانش و ادب، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- ۴- بنت الشاطی، بانوی کربلا، ترجمه سید رضا صدر، انتشارات ۲۲ بهمن، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- ۵- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، موسسه امام صادق (ع)، چاپ نهم، قم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۶- جواهری، محمد رضا، تداوم انقلاب عاشورا با رهبری زینب کبری (س)، انتشارات خیر البریه،
چاپ اول، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- ۷- همو، فلسفه انقلاب عاشورا، انتشارات خیر البریه، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ.ش.

- ۵۴----- منہاج - سال پنجم، شماره هشتم، بهار و تابستان ۱۳۸۸
- ۸- جزایری، نورالدین، خصائص الزینبیه، کتابفروشی حضرت مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- ۹- حاج سید جوادی، حاج سید حسن، زینب(س) حماسه ای ابدی بر فراز تاریخ، انتشارات نوید، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ.ش.
- ۱۰- دشتی، محمد، پیامهای عاشورا، موسسه تحقیقاتی امیر المومنین، بهار ۷۶ هـ.ش.
- ۱۱- رضایی اصفهانی، محمد علی، آموزه‌های عاشورا، انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم و قرآن، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۱۲- شبیری، اعظم، سیمای زینب(س) در آیینه تاریخ، مرکز نشرهاجر، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۱۳- طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، سید محمد باقر همدانی موسوی، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۴- محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران، بازار سلطانی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
- ۱۵- مهاجرانی، سید عطاء الله، پیام آور عاشورا، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۶- مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن کریم، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- ۱۷- مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، انتشارات صدرا.
- ۱۸- همو، حماسه حسینی، انتشارات صدرا.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت الوفا، دارالحیا التراث، العربی، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۰- نقدی، جعفر، زینب الکبری، نجف الاشرف، دارالبیان، ۱۳۶۷ هـ.ق / ۱۹۴۷ م.
- ۲۱- نظری منفرد، علی، قصه کربلا، انتشارات سرور، چاپ چهارم، قم، ۱۳۷۷ هـ.ش.